



## محدودیت‌های اشتغال زن شوهردار در حقوق ایران

دکتر منوچهر توسلی نایینی  
استادیار گروه حقوق دانشگاه شهر کرد

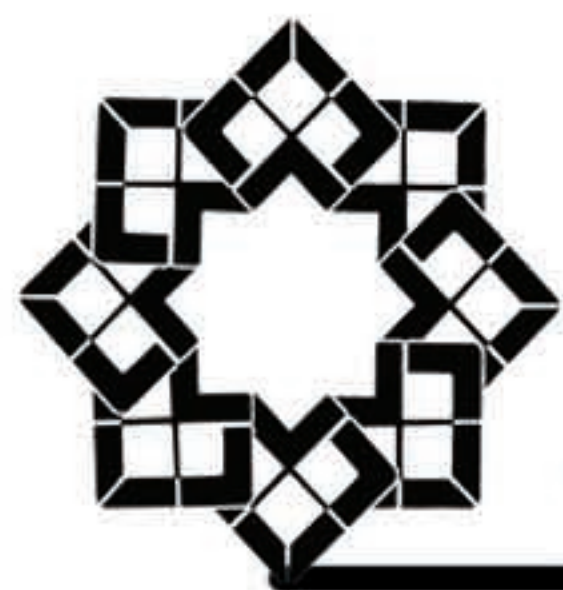
### چکیده

به طور کلی اشتغال زنان بر اساس عواملی مانند سطح سواد و تحصیلات، تعداد فرزندان و غیره می‌تواند محدود شود. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا تأهل نیز می‌تواند در برخی موارد یکی از موانع اشتغال زنان باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت در پاره ای موارد و با وجود بعضی شرایط قانونی ممکن است تأهل مانع اشتغال زنان باشد. به موجب ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، مرد می‌تواند همسر خود را از اشتغال به حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. در توجیه ماده اخیر می‌توان گفت که بر اساس ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است و ماده ۱۱۰۶ همین قانون نیز نفقه زن در خانواده را بر عهده شوهر دانسته است. مضافاً به این که با توجه به اصل «استقلال دارایی زن» شوهردار که در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی بدان اشاره شده است، اشتغال زن، تعهد شوهر را نسبت به پرداخت نفقه نفی نمی‌کند. بر اساس ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که هنوز نسخ نگردیده شوهر فقط با تأیید دادگاه می‌تواند از این حق استفاده کند. دادگاه نیز با توجه با احراز دو شرط، محدودیت اشتغال زن را می‌پذیرد: الف- منافات اشتغال زن با مصالح خانواده ب- منافات اشتغال زن با حیثیت مرد یا خود زن. تحقیق اخیر قصد دارد که فلسفه وجودی، چگونگی و شرایط اجرای ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و نقایص احتمالی آن را مورد بررسی و راهکارهای پیشنهادی را ارائه کند.

**کلید واژه ها:** اشتغال، زن شوهر دار، قانون مدنی، نفقه.

### مقدمه

در حال حاضر، از یک طرف، جامعه ما به اشتغال زنان نیاز دارد و نمی‌توان از نیروی کار آنان صرف نظر کرد و اقتصاد خانواده نیز بدون اشتغال زنان با کمبود و نقصان مواجه می‌شود، از طرف دیگر اشتغال زنان در خارج از منزل طبیعتاً ساعاتی را به خود اختصاص می‌دهد که در این اوقات مادر بناگزییر از خانواده دور است. بنابر این لازم است با رعایت همه جوانب نیازهای مادی خانواده و رفاه آن تأمین شود. به طور کلی اشتغال زنان بر اساس عواملی مانند سطح سواد و تحصیلات، تعداد فرزندان و غیره می‌تواند محدود شود. اما سؤال این است که آیا تأهل هم می‌تواند یکی از موانع اشتغال زنان باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت در پاره ای موارد و با وجود بعضی شرایط قانونی ممکن است تأهل مانع اشتغال باشد. به موجب ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مرد می‌تواند همسر خود را از اشتغال به حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. تحقیق اخیر قصد دارد که فلسفه وجودی، چگونگی و شرایط اجرای این ماده قانون مدنی را مورد بررسی قرار دهد.



### الف- فلسفه وجودی ماده ۱۱۱۷

در سوره نساء آیه ۳۲ قرآن کریم آمده است که «للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن»؛ یعنی، برای مردان و زنان از آن چه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است. بنابراین همان‌گونه که مردان اگر چیزی تحصیل کنند مالک آن می‌شوند، زنان نیز اگر مالی به دست آورند مالک آن خواهند بود. این بیان، افزون بر پذیرش حق مالکیت برای زنان، جواز اشتغال و اجازه کار برای آنان را همانند مردان اثبات می‌کند؛ زیرا در این آیه کریمه حلال بودن اکتساب؛ یعنی، تحصیل درآمد، فرض دانسته شده و سپس در باره مالکیت درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی اشتغال زنان شوهر دار با محدودیت‌هایی روبرو شده است (هادوی تهرانی، ۱۳۸۶).

در توجیه ماده اخیر می‌توان گفت که بر اساس ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است و ماده ۱۱۰۶ همین قانون نیز نفقه زن در خانواده را بر عهده شوهر دانسته است. اضافه بر این که با توجه به اصل «استقلال دارایی زن» شوهردار که در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی بدان اشاره شده است، اشتغال زن تعهد شوهر را نسبت به پرداخت نفقه نفی نمی‌کند. بر اساس این اصل، عقد نکاح هیچ‌گونه محدودیتی در حقوق زن نسبت به دارایی خود ایجاد نمی‌کند و تکلیف مرد به انفاق زن هیچ ارتباطی به میزان دارایی زن ندارد و حتی در صورت تمکن مالی زن نیز مرد مکلف به پرداخت نفقه به او است. از این نظر، درآمدی که زن در اثر اشتغال به دست می‌آورد دارایی شخصی اوست و هیچ‌گونه تعهدی به صرف آن جهت هزینه‌های خانواده ندارد. بنابر این، در قانون و عرف، مرد رئیس و مدیر خانواده است و تنظیم امور خانواده و تعیین مصالح آن به عهده اوست و بنابراین حق دارد در مواردی مانع اشتغال زن شود. لذا زن می‌تواند به هر کاری اشتغال ورزد که منافی با وظایف او که در اثر زناشویی ملتزم به آن گردیده، نباشد. مگر آن که شوهر از نظر ریاست خانواده آن را منافی با مصالح خانواده‌گی و حیثیت زن و یا خود تشخیص دهد.

از نظر بعضی حقوق‌دانان دور از حسن معاشرت است که زن بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود. زیرا طبق ماده ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی زوجه مکلف به حسن معاشرت و تشیید مبانی خانواده‌گی است و نمی‌تواند عملی انجام دهد که منافی حیثیت خانواده‌ای باشد که در آن عضویت دارد (امامی ۱۳۵۷ ص ۴۵۰ - ۴۵۲). نظر اخیر نظر مشهور فقهای امامیه است که معتقدند: رضایت شوهر در هنگام خروج از منزل لازم است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۹۵- محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۵۸- خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۰۵). مطابق این نظر، خروج زن، بدون اجازه از منزل شوهر در هر حال نشوز محسوب می‌شود. مبنای نظریه مشهور روایاتی است که بعضی از فقهای امامیه در سند برخی از این روایات و دلالت بعضی دیگر بر مدعا تردید کرده‌اند.

بعضی حقوق‌دانان در تحلیل ماده ۱۱۰۵ با توجه به نظریه مشهور فقها، قلمروی گسترده برای ریاست شوهر قایل شده و بیان داشته‌اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد. بنابراین چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و با شرط اشتغال، ازدواج انجام نشده [باشد]، شوهر می‌تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هر گونه حرفه در بیرون خانه منع کند» (محقق داماد، ۱۳۷۲، ص ۳۱۶). در مقابل، بعضی برای ریاست شوهر قلمرو محدودتری قایل شده‌اند: «شوهر می‌تواند برای حفظ خانواده، معاشرت‌های زن و رفت و آمدهای وی را بازرسی کند و او را از رفتاری که سلامت خانواده را

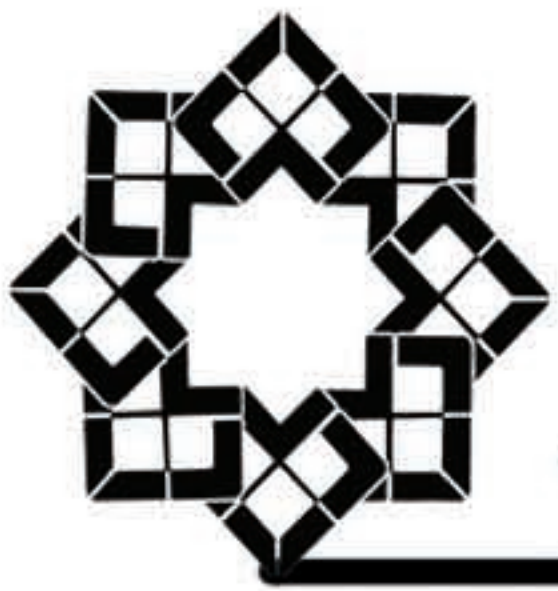


تهدید می‌کند، باز دارد. ولی حق ندارد به دلخواه خود و بدون این که دلیل موجهی داشته باشد، زن را از معاشرت با خویشان نزدیک، انجام فرائض دینی یا تکالیف اجتماعی باز دارد. اختیار شوهر در راستای غرور و سروری بر زن نیست؛ هدف قانونگذار حفظ مصالح خانوادگی و حیثیت دو طرف است و اختیاری که به زوج داده شده، باید در حدود همین امور اعمال شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۹).

به نظر می‌رسد آزادی زن فقط در صورتی که با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد، محدود می‌شود و ماده ۱۱۰۵ ق.م.را که تنها مستند حقوقی ریاست شوهر بر خانواده است باید به امور زناشویی محدود کرد و حق زوج در ایجاد محدودیت و کنترل رفت و آمد زوجه را مطلق ندانست؛ زیرا بحث اشتغال زن عمدتاً در بیرون منزل مصداق پیدا می‌کند و فعالیت شغلی داخل منزل مانند خیاطی و ... کمتر با حق استمتاع شوهر تعارض دارد. بنابراین با عنایت به این که از نظر اخلاقی بهتر است، زوجه در هیچ حالتی بدون رضایت همسر از خانه خارج نشود، لیکن در صورت خروج زن به دلیلی موجه از منزل، و بدون موافقت شوهر وی ناشزه شناخته نمی‌شود (هدایت نیا، ۱۳۸۵).

### ب- چگونگی اجرای ماده ۱۱۷ قانون مدنی

پس از توجیه محدودیتهای مقرر در مورد اشتغال زن شوهر دار مندرج در ماده ۱۱۷ قانون مدنی، این سؤال مطرح می‌شود که شوهر چگونه از این حق قانونی خود استفاده کند؟ ماده اخیر الذکر قانون مدنی در مورد اجرای این حق ساکت است. اما در این مورد دو نظر وجود دارد. تا قبل از تصویب قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ این نظر وجود داشت که مردان به‌عنوان رئیس خانواده این اختیار را دارند که بدون حکم قبلی دادگاه و با تشخیص خود مانع اشتغال همسران شاغل خود شوند و اگر زنان اعتراضی به این محدودیت داشته باشند باید به دادگاه مراجعه کرده، با ارایه دلایل حق اشتغال خود را درخواست کنند. به نظر بعضی نویسندگان از ظاهر مواد ۱۱۰۵ و ۱۱۱۷ چنین برمی‌آید که اختیار مرد مطلق است (کاتوزیان، حقوق مدنی، خانواده، ۱۳۷۸، ص ۲۳۴). اما با تصویب قانون حمایت از خانواده، اکثر حقوقدانان معتقدند که اختیار شوهر در این مورد مطلق نبوده، بر اساس ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ شوهر با تأیید دادگاه می‌تواند از این حق استفاده کند. ماده ۱۸ مقرر می‌دارد که «شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود با زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید؛ دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند». باید اشاره کنیم که این قانون بعد از انقلاب به دلیل مغایرت با بعضی مواد قانون مدنی با مخالفت‌هایی روبرو شد اما هنوز نسخ نشده است. برای مثال در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۵۳، ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ۱۳۱۳ بدین شکل اصلاح شد. «ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به ۲۰ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند، استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد و به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود». در سال ۱۳۶۱ ماده



۱۰۴۱ اصلاح و برای ۵ سال به صورت آزمایشی به اجرا درآمد. اصلاحیه جدید از این قرار بود " نکاح قبل از بلوغ ممنوع است" (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۶۸۲).

بنابر این، با توجه به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی دادگاه با توجه با احراز دو شرط محدودیت اشتغال زن را می پذیرد: الف- منافات اشتغال زن با مصالح خانواده ب- منافات اشتغال زن با حیثیت مرد یا خود زن. با توجه به نظر اخیر، شوهر متقاضی استفاده از ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی که می خواهد مانع اشتغال همسرش شود باید به عنوان مدعی در دادگاه اقامه دعوی کند و بعد از اثبات منافی بودن شغل زن با مصالح خانوادگی و حیثیت خود یا زن، منع او را از دادگاه درخواست کند و زن در مقام دفاع می تواند اقامه دلیل کرده و ثابت کند که ادعای مرد بی اساس است. بدیهی است در این مورد اگر به تشخیص دادگاه اشتغال زن با مصالح خانوادگی یا حیثیات زن یا شوهر منافات نداشته باشد، مرد نمی تواند از آن جلوگیری کند. لیکن چنانچه دادگاه با احراز منافات داشتن شغل زن با مصالح خانوادگی و یا حیثیت شوهر یا زن، مبادرت به صدور حکم کند، یک نسخه از حکم را نیز جهت ممانعت زن از اشتغال به محل کار او ارسال می نماید. برای صدور این حکم، دادگاه به احراز دو شرط نیاز دارد.

### ج- شرایط اجرای ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی

همان گونه که اشاره گردید ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی دو شرط را برای اعمال حق شوهر پیش بینی کرده است: اول منافات اشتغال زن با مصالح خانواده و دوم منافات اشتغال زن با حیثیت مرد یا خود زن.

#### ۱- منافات اشتغال زن با مصالح خانواده

با توجه ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی در صورت منافات اشتغال زن با مصالح خانواده، شوهر می تواند زن را از اشتغال منع کند؛ اما منظور از امور منافی مصالح خانواده چیست؟ به نظر بعضی از حقوقدانان منظور از اموری که منافی با «مصالح خانواده هستند» اموری است که به نوعی سبب سستی بنیان خانواده یا اخلال در نگهداری و تربیت فرزندان و یا برهم خوردن نظم اقتصادی خانواده شود (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۶۸۲)؛ لیکن در قانون و عرف ملاک ثابتی برای تشخیص این امور وجود ندارد؛ زیرا اخلاق عمومی و وضع خاص هر منطقه و اعتبار و موقعیت اجتماعی و خانوادگی افراد هر خانواده در تعیین مصلحت آن خانواده مؤثر است و در زمانها و مکان های مختلف نیز فرق می کند. برای مثال مصالح خانواده یک هنرپیشه یا راننده با مصالح یک روحانی یا دانشمند متفاوت است (کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ۱۳۷۸، ص ۲۳۴). بنابراین در هر مورد خاص باید با مراجعه به اخلاق و عادات و رسوم آن جامعه و وضع خاص آن خانواده تشخیص داد آیا شغل زن با مصالح خانواده منافات دارد یا خیر؛ لیکن به طور کلی و بر اساس قانون مدنی می توان گفت: اشتغال زن نباید موجب اخلال در جریان عادی امور خانواده و مانع از اداره خانه و تربیت فرزندان شود. ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی در این مورد مقرر می دارد «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند». بنابراین تشیید و تحکیم مبانی خانواده وظیفه مشترک زوجین است. حال اگر شغلی که زن انتخاب کرده به



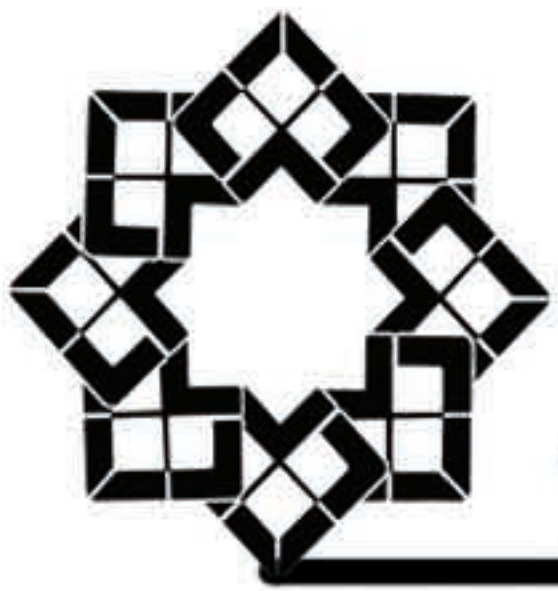
دلایلی موجب سستی بنیان خانواده باشد، زوج می تواند با آن مخالفت کند. طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است». حال اگر شغل زن مانع از انجام وظایفی باشد که قانون در قبال فرزندان بر عهده وی گذاشته، زوج می تواند مانع اشتغال زن شود. لذا به نظر می رسد که اگر زن بتواند در عین شاغل بودن به اداره منزل و تربیت فرزندان نیز پردازد، کافی است تا شوهر نتواند مانع اشتغال او شود.

## ۲- منافات اشتغال زن با حیثیت مرد یا خود زن

بر اساس ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی چنانچه شغل زن منافی حیثیات مرد یا خود زن باشد، شوهر می تواند از اشتغال او جلوگیری کند. در قوانین کشورهای دیگر تعریف وقاعدۀ خاصی برای امور منافی حیثیت بودن نداریم (کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ۱۳۷۸، ص ۲۳۳) و بر حسب موقعیت افراد، حیثیت سنجیده می شود. برای مثال حیثیت مردی که سالها به دلیل ارتکاب جرم در زندان بوده با حیثیت کسی که سالها با فساد و جنایت مقابله کرده یکسان نیست. نکته قابل توجه در این مورد این است که نمی توان بین حیثیت مرد و زن تفاوت قایل شد و آن را جداگانه در نظر گرفت. زیرا پس از ازدواج، بین منافع زن و شوهر و نیز آبرو و حیثیت آنان پیوند ناگسستنی برقرار می شود. لذا زوجه نمی تواند با عذر این که « شغلش تنها با حیثیت وی مغایرت دارد و هر کسی حق دارد، راجع به خود تصمیم بگیرد»، به مخالفت شوهرش با این اشتغال بی اعتنا باشد.

به نظر بعضی حقوقدانان منظور از امور منافی حیثیت زن و شوهر اموری است که از نظر اجتماعی از شخصی مانند زن یا شوهر انتظار نمی رود (امامی، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۴۵۱). لیکن به نظر می رسد که در این مورد هم قاعدۀ ثابتی وجود ندارد و بستگی به وضعیت خاص مرد یا زن از حیث میزان تحصیلات، وضعیت اجتماعی، پایگاه شغلی، میزان درآمد و وضعیت اقتصادی و همچنین نسب خانوادگی دارد. برای مثال اگر زنی از راه گدایی کسب درآمد کند یا محلی که در آن مشغول کار است خوشنام نباشد ممکن است مشمول این شرط قرار گیرد؛ ولی بطور کلی می توان گفت اگر پایگاه و رتبه شغلی زن بطور فاحشی پایین تر از مرد نباشد، به نظر می رسد که مرد نتواند به دلیل منافی بودن شغل همسرش با حیثیت او، با اشتغال وی مخالفت کند.

لازم به توضیح است با توجه به نقایص قوانین موجود در زمینه محدودیتها و حقوق متقابل زوجین و تغییر ساختار و کارکرد تغییر یافته خانواده، کمیسیون حمایت از حقوق زنان و کودکان معاونت توسعه قضایی قوه قضاییه، پنج شرط ترقی خواهانه برای ازدواج زنان پیشنهاد داده است. این شروط به صورت شروط مورد استفاده در حین عقد ازدواج است؛ گرچه در سندهای کنونی ازدواج، تعدادی از این شرطها با عنوان شروط ضمن عقد آمده است؛ لیکن در برخی از موارد این شروط کافی نبوده و لازم است که شروط دیگری به این گونه موارد قید شده در سندهای ازدواج، افزوده شود. شرطهای زیر از جمله شروطی هستند که در سندهای ازدواج قید نشده اند؛ ولی مورد پذیرش مراجع قضایی و اجرایی است و بنابراین شوهر و زن می توانند آنها را با توافق یکدیگر در سند ازدواج بگنجانند. شروط پیشنهادی قوه قضاییه به این شرح است: تحصیل، اشتغال، وکالت زوجه در صدور جواز خروج از کشور، تقسیم و وکالت مطلق زوجه در طلاق. در مورد شرط اشتغال، اشاره شده که مطابق قانون اگر شغل زن منافی با مصالح خانواده یا حیثیت شوهر یا زن باشد، مرد می تواند



همسر خود را از آن شغل منع کند. با توجه به این که امکان تفسیرهای مختلف از این متن قانونی وجود دارد، گنجاندن عبارت زیر در سند ازدواج از جانب کمیسیون اخیر الذکر پیشنهاد شده است: «زوج، زوجه را در اشتغال به هر شغلی که مایل باشد، در هر کجا که شرایط ایجاب نماید مخیر می کند».

#### د-سؤالات مرتبط با موضوع

در باره ماده ۱۱۱۷ سؤالات متعددی مطرح می شود که به مهمترین آنها اشاره می کنیم. اولین سؤال این است که هرگاه زن قبل از ازدواج شاغل بوده و شوهر نیز قبل از ازدواج از شغل همسرش اطلاع داشته و با او ازدواج کرده یا مرد هنگام ازدواج شرط شاغل بودن یا ادامه اشتغال زن را پذیرفته آیا با چنین شرایطی مرد می تواند از اشتغال زن جلوگیری کند و عدم اشتغال همسرش را از دادگاه بخواهد؟ در پاسخ باید گفت که رویه قضایی نیز در چنین مواردی حق اشتغال زن را محفوظ می داند، از جمله شعبه ۳۰ دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۱۳۷۱/۴۵۸ حق اشتغال زوجه را که هنگام ازدواج شاغل بوده، بعد از ازدواج همچنان پابرجا دانسته و تصریح کرده: «در صورتی که ازدواج مبتنی بر اشتغال باشد زوجه می تواند به کار و یا انجام وظایف زوجیت ادامه دهد...». به طور کلی، ممکن است زوجین در ضمن عقد نکاح توافق کنند که زوجه شاغل باشد یا شغل فعلی را حفظ کند. بدون تردید، شرط مذکور در عقد نافذ است و جای بحث ندارد. در ماده ۱۱۱۹ ق.م در این باره آمده که: «طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند؛ مثل این که شرط شود، هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق کند یا علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی، خود را مطلقه سازد». به طور کلی در نظرات فقها اصل بر اعتبار شرط ضمن عقد و شرط بنایی و عدم اعتبار شرط ابتدایی از جمله شرط اشتغال زوجه است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۴۵۶).

به نظر آیت الله مکارم شیرازی «در صورتی که اشتغال زوجه در ضمن عقد لازمی مثل عقد ازدواج شرط شده باشد، زوج نمی تواند مانع اشتغال او شود در غیر این صورت حق دارد از اذن خود برگردد، مگر در مواردی که به خاطر اذن زوج مسؤولیت‌ها را پذیرفته و ناچار است آن را ادامه دهد» (گنجینه آرای فقهی-قضایی، سؤال ۵۷۶۰).

اما حقوقدانان در این مورد نظریات مختلفی ارایه کرده اند. بعضی معتقدند که در چنین مواردی شوهر نمی تواند با استناد به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی زن را از ادامه اشتغال منع کند؛ زیرا قرارداد کار فی مابین زوجه و کارفرما صحیحاً واقع شده و زناشویی مؤخر تأثیر در قرارداد مقدم نداشته و عقد سابق را متزلزل نمی نماید (امامی، ۱۳۵۷، ص ۴۵۱). بعضی دیگر معتقدند که اختیار شوهر تنها ناظر به مشاغلی نیست که زن پس از ازدواج انتخاب می کند و شامل تمام مشاغلی که پیش از آن آغاز شده نیز می شود و رضایت شوهر از اختیار قانونی او نمی کاهد زیرا منع زن تنها حق مرد نیست که بتوان ادعا کرد با اعلام رضایت ساقط شده است، بقای

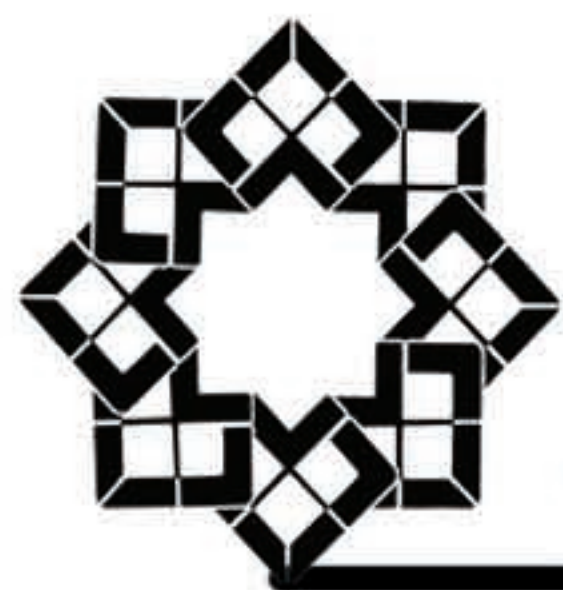


این اختیار از زمره مسایل مربوط به نظم عمومی است و اعمال آن در شمار تکالیف و مسؤولیت های شوهر در اداره امور خانواده است (کاتوزیان، خانواده، ۱۳۷۸، ص ۲۳۵).

به نظر می رسد هرگاه در هنگام ازدواج زن شاغل بوده و مرد با علم به این موضوع با او ازدواج کرده باشد و یا این که اشتغال یا ادامه اشتغال همسر بطور صریح در ضمن عقد شرط شده باشد و یا حتی اگر بطور ضمنی و بدون آن که در عقد تصریحی به عمل آمده باشد، در ضمن عقد شرط شده باشد، مرد نمی تواند از اشتغال زن جلوگیری کند مگر در موارد زیر که امکان استفاده از ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی برای شوهر مجاز است؛ اول مصلحت خانواده پس از عقد چنان تغییر کرده باشد که عدم اشتغال زن را ایجاب کند، برای مثال تمام وقت شدن کار مرد در حالی که وی مدعی شود که در هنگام عقد وضعیت شغلی او طوری بوده که می توانسته کمبود ناشی از نبود همسر در منزل را شخصاً پر کند لیکن در حال حاضر با توجه به افزایش مسؤولیت های شغلی و لزوم حضور تمام وقت وی در محل کار دیگر نمی تواند مانند سابق به جای همسر به ادامه امور منزل و تربیت فرزندان رسیدگی کند و این وضعیت سبب اخلاف در امور خانواده شده است. دوم تغییر در عناصر اساسی حیثیت مرد از قبیل میزان تحصیلات، وضعیت اجتماعی، پایگاه شغلی، میزان درآمد و وضعیت اقتصادی.

سؤال دیگری که در این جا مطرح می شود این است که چنانچه با منع اشتغال زن توسط شوهر بدون رأی دادگاه یا با حکم دادگاه، خسارتی به اداره یا کارفرما وارد شود چه کسی مسؤول جبران خسارت است؟ علت طرح این سؤال این است که دولت یا کارفرما در برابر حقوق یا دستمزدی که به زن پرداخت می کنند، تعهداتی بر عهده او قرار می دهند که در صورت جلوگیری از ادامه اشتغال زن تعهدات او عملاً انجام نشده باقی می ماند و این امر ممکن است برای دولت یا کارفرما خسارتهایی به دنبال داشته باشد.

در مورد جبران این خسارتهای، قانونگذار ساکت است. به نظر می رسد چنانچه شوهر بدون حکم دادگاه مانع اشتغال زن شود پرداخت خسارات احتمالی به عهده اوست؛ لیکن در مورد منع اشتغال زن با حکم دادگاه به نظر می رسد هیچ یک از زن و شوهر در برابر طرف قرارداد برای پرداخت خسارت مسؤولیتی ندارند؛ زیرا با صدور حکم دادگاه مبنی بر منع زن از اشتغال خاص، قرارداد استخدام وی فسخ می شود و تمام تعهداتی که مربوط به شخص زن است و به مناسبت حرفه خود به عهده گرفته است، ابطال می شود و اداره و کارفرما باید به حکم دادگاه تمکین کنند. بعضی حقوقدانان معتقدند در این حالت زن باید خسارات اشخاص ثالث را جبران کند؛ زیرا وضعیت ایجاد شده ناشی از شرایطی است که با قبول عقد ازدواج توسط زن بوجود آمده است و تصمیم مرد و تأیید دادگاه در حکم قوه قاهره نیست و زن را از پرداختن خسارت عدم انجام تعهد معاف نمی کند (مواد ۲۲۹-۲۲۷ ق.م)؛ زیرا مانعی که او را از ایفای تعهدات خود باز داشته است، علت خارجی نیست بلکه بنا به خواسته او و ناشی از وضعی است که در اثر عقد نکاح پیدا کرده است (کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ۱۳۸۱، ص ۶۸۳ و کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳۶)؛ لیکن به نظر می رسد عرف، عدم انجام تعهد زوجه را با فرض مخالفت زوج و حکم دادگاه به ترک کار، عذر موجه دانسته و زن را مسؤول جبران خسارت کارفرما نمی داند. در هر حال، همچنان که سکوت قانون در این مورد نوعی نقص قانونی شمرده می شود، لذا قانونگذار باید با اندیشیدن تدبیری در این زمینه اقدام لازم را به عمل آورد.



آخرین سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که آیا زن هم می‌تواند در صورت احراز شرایط دوگانه اخیر الذکر؛ یعنی، منافات داشتن شغل مرد با مصالح خانوادگی یا شئونات همسر از اشتغال شوهر جلوگیری کند؟ در پاسخ به این سؤال قانون مدنی، ساکت است؛ اما با توجه به ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ به نظر می‌رسد که زن اجازه دارد که موضوع را از طریق دادگاه پی‌گیری کند در این صورت، دادگاه با احراز دو شرط یاد شده و در صورتی که منع اشتغال شوهر موجب اختلال در معیشت خانواده نباشد، حکم لازم را صادر می‌کند (کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ۱۳۸۱، ص ۶۸۳). بنابر این، تفاوت زن و مرد در این مورد این است که منع مرد از اشتغال به شغل خاص نباید به معیشت و نظام اقتصادی خانواده لطمه‌ای وارد سازد. در غیر این صورت هر چند شغل مرد منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات یکی از طرفین نیز باشد، زن نمی‌تواند او را از اشتغال به آن شغل منع کند. به نظر می‌رسد در چنین موردی زن می‌تواند بر اساس بند ۵ شرط دوم قبالة نکاح در صورتی که اشتغال شوهر منافی مصالح خانواده یا حیثیت زن باشد به صورت وکالتی و با حکم دادگاه خود را مطلقه ساخته و از شوهر جدا شود.

البته بر مبنای ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده، دولت لایحه اصلاحیه‌ای آماده کرده اگر این لایحه در مورد اصلاح ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مورد قبول قرار گیرد، هر یک از زوجین در صورتی که شغل همسر را منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود بدانند، می‌توانند از دادگاه تقاضای رسیدگی کنند. دادگاه چنانچه اختلالی در معیشت خانواده ایجاد نشود، فرد را از اشتغال به شغل مذکور منع خواهد کرد.

### نتیجه

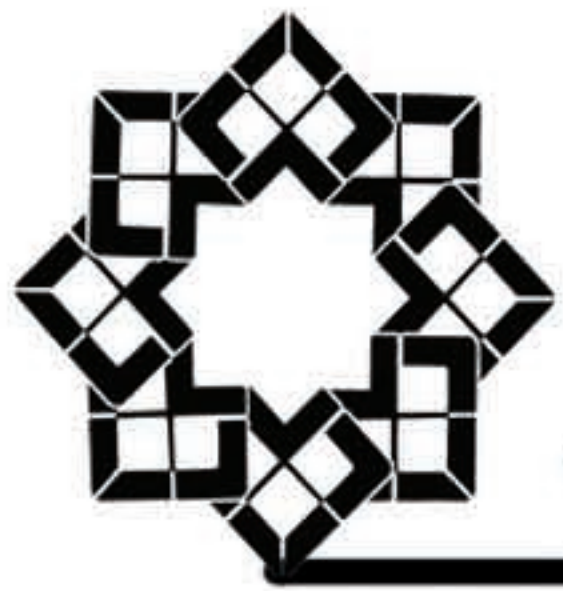
اشتغال زنان بر اساس عواملی مانند سطح سواد، تحصیلات، تعداد فرزندان و غیره می‌تواند محدود شود. تأهل نیز می‌تواند در پاره‌ای موارد و با وجود بعضی شرایط مانع اشتغال باشد. به موجب ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، مرد می‌تواند همسر خود را از اشتغال به حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. در توجیه ماده اخیر می‌توان گفت که بر اساس ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است و ماده ۱۱۰۶ همین قانون نیز نفقه زن در خانواده را بر عهده شوهر دانسته است. مضافاً به این که با توجه به اصل «استقلال دارایی زن» شوهردار که در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی بدان اشاره شده است، اشتغال زن تعهد شوهر را نسبت به پرداخت نفقه نفی نمی‌کند. بنا بر این، در قانون و عرف، مرد رئیس و مدیر خانواده است و تنظیم امور خانواده و تعیین مصالح آن به عهده اوست و بنابراین حق دارد در مواردی مانع اشتغال زن شود؛ لذا زن می‌تواند به هر کاری اشتغال ورزد که منافی با وظایف او، که در اثر زناشویی ملتزم به آن گردیده، نباشد. مگر آن که شوهر از نظر ریاست خانواده، آن را منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زن و یا خود تشخیص دهد. بر اساس ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که هنوز نسخ نگردیده شوهر فقط با تأیید دادگاه می‌تواند از این حق استفاده کند. دادگاه نیز با توجه به احراز دو شرط عدم منافات اشتغال زن با مصالح خانواده و عدم منافات اشتغال زن با حیثیت مرد یا خود زن محدودیت اشتغال زن را می‌پذیرد. با توجه به نظر اخیر، شوهر متقاضی استفاده از ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی که می‌خواهد مانع اشتغال همسرش شود باید به عنوان مدعی در دادگاه اقامه دعوی کند و بعد از اثبات منافی بودن شغل زن با





مصالح خانوادگی و حیثیت خود یا زن، منع او را از دادگاه درخواست کند و زن در مقام دفاع می تواند اقامه دلیل کرده و ثابت کند که ادعای مرد بی اساس است. با توجه به ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ به نظر می رسد که زن نیز اجازه دارد که در صورت احراز دو شرط یاد شده از دادگاه منع اشتغال شوهر را بخواهد و دادگاه در صورتی که منع اشتغال شوهر موجب اختلال در معیشت خانواده نباشد، با این تقاضا موافقت می کند. در هر حال، نقایص موجود در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی در مورد حق زن در مخالفت با شغل شوهر در صورت منافع داشتن شغل با مصالح و حیثیات خانوادگی و همچنین لزوم تأیید دادگاه پس از درخواست تغییر شغل از سوی زوج یا زوجه، اصلاح ماده ۱۱۱۷ اخیر الذکر را الزامی می سازد. در همین جهت، دولت با ارایه لایحه ای قصد دارد که هر یک از زوجین در صورتی که شغل همسر را منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود بدانند، بتوانند از دادگاه تقاضای رسیدگی کند و دادگاه چنانچه اختلالی در معیشت خانواده ایجاد نشود، فرد را از اشتغال به شغل مذکور منع خواهد کرد. چنین روندی با وضعیت خانواده هماهنگی بیشتری خواهد داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- ۱- اسدی، لیلا، نقد و تحلیل مصوبات حقوقی زنان از طرح تا اجراء، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۵.
- ۲- تحلیل قوانین حقوقی زنان از تصویب تا اجراء، شروط ضمن عقد، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۱.
- ۳- امامی، سیدحسن، (۱۳۵۷)، حقوق مدنی، جلد ۴، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
- ۴- خمینی، سید روح الله، (۱۴۰۹ ق)، تحریر الوسیلة، نجف الاشرف، آداب، چاپ دوم.
- ۵- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله، (۱۳۸۰)، حقوق خانواده، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ هشتم.
- ۶- فیض، علیرضا، (۱۳۷۸)، مبادی فقه و اصول، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- علامه حلی، ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۳ ق)، «قواعد الأحکام»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- ۸- کاتوزیان ناصر، (۱۳۸۱)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.
- ۹- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، (خانواده)، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱)، حقوق خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- ۱۱- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ ق):، الکافی، دار الکتب الاسلامیة، چ سوم.
- ۱۲- محقق حلی، ابو جعفر نجم الدین جعفر بن حسن: (۱۴۰۹ ق)، «شرائع الاسلام»، قم، امیر، چاپ دوم.
- ۱۳- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۲)، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، نشر علوم اسلامی.
- ۱۴- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۶۷)، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، چاپ دوم، تهران، نشر علوم اسلامی.
- ۱۵- نرم‌افزار گنجینه آرای فقهی- قضایی، دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی معاونت آموزش قوه قضاییه.
- ۱۶- هادوی تهرانی مهدی، ۱۳۸۶، ضوابط شرعی اشتغال بانوان، در [http://www.balagh.net/persian/kalam/kalam\\_new/20/08.htm](http://www.balagh.net/persian/kalam/kalam_new/20/08.htm)
- ۱۷- هدایت نیافر ج الله، (۱۳۸۵)، اشتغال زنان و مصلحت خانواده در قانون مدنی، فصلنامه زنان، شماره ۳۴  
<http://www.iranpress.ir/iranwomen/Template1/Home.aspx>